



**محتوا، پلتفرم و دسترسی نامحدود، ۳ رکن عدالت آموزشی**

# آموزش مجازی نیاز به امداد دارد

■ سیدحسام نوربخش \*

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عدالت آموزشی و ایجاد فرصت برابر برای همه افراد، از اهداف و رسالت‌های تعیین‌شده برای آموزش و پرورش است. همچنین در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزشی و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.» تا قبل از پدیده شومی به نام کرونا، مفهوم عدالت آموزشی در توسعه زیرساخت‌های فیزیکی مانند

■ **محتوا و پلتفرم در بستر اینترنت**

از منظر فرهنگی – اجتماعی دو نگاه به مقوله فضای مجازی و اینترنت در ایران وجود دارد: نگاه اول پلتفرم‌سازی را عامل اصلی مدیریت فضای مجازی می‌داند و نگاه دوم محتواسازی را مهم‌تر از تولید پلتفرم برای اثرگذاری در سطح ملی می‌داند. هر دو دیدگاه هم دلایل خود را دارند، اما برای بررسی بهتر این دو رویکرد در فضای تعلیم و تربیت و نظام‌های آموزشی دنیا بهتر است کمی عمیق‌تر به این دو مقوله یعنی «محتوا و پلتفرم» نگاه کرد.

درخصوص پلتفرم باید قبول کرد که تعلیم و تربیت در سیر تاریخی‌اش، دچار تحولات گوناگونی شده و مدل‌ها و روش‌های آموزشی – تربیتی همچنان نیز در حال تغییر است. یکی از این تغییرات که به لطف شرایط این روزهای کرونایی قوت بیشتری گرفته جوع به پلتفرم‌های آموزش مجازی در بستر اینترنت است.

از تباط میان دو یا چند گروه مختلف و خلق ارزش از این ارتباط، شناخته‌شده‌ترین مفهوم از پلتفرم در کسب‌کارهای اینترنتی است. در پلتفرم‌های آنلاین، نوع و چگونگی پیاده‌سازی تکنولوژی از اهمیت کمتری برخوردار است و نحوه شبکه‌سازی و تعامل کاربران است که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

■ **محتوا و پلتفرم در حوزه آموزش**

پلتفرم‌های حوزه آموزش، ارائه‌کنندگان آموزش را به مصرف‌کنندگان آن (دانش‌آموزان، دانش‌جویان و…) متصل می‌نمایند و با در یافت کارمزدا از آموزش یا روش‌های مشابه دیگر کسب درآمد می‌کنند.

از طرفی پلتفرم‌های آموزشی پدیده‌های پیچیده و دائماً در حال تغییر و تحول هستند. نیازمندی‌های آنها در حال تغییر و به همین دلیل لازم است تا هم مناسب کاربری باشند هم با فناوری‌های در حال تحول کنار بیایند و هم از رزان و مؤثر طیف وسیعی از فعالان و دانشوران حوزه سوی یک سازمان رسمی مثل آموزش و پرورش و حتی سفارش آن به یک بخش خصوصی به صورت انحصاری، غیرمنطقی به نظر می‌رسد. بنابراین تصور اینکه یک پلتفرم مثل «شاد» با تولید آموزش و پرورش بتواند به

صورت انحصاری به تمام نیازهای مخاطبین پاسخ دهد، یک اشتباه راهبردی است.

مشکل دیگر آنجاست وقتی از سامانه‌ها و پلتفرم‌های آموزشی خودکارسازی فرآیندهای آموزشی مدرسه و کلاس را به یساد می‌آورند، در حالی که امروز ما به پلتفرم‌هایی برای به جریان انداختن فرآیندهای تعلیم و تربیت نیازمندیم.

پلتفرم‌ها از فناوری برای اتصال افراد و منابع در یک زیست‌بوم تعاملی استفاده کرده و از طریق آن تولید ارزش می‌کنند. پلتفرم‌ها بر ایجاد ارزش بین تولیدکنندگان خارجی و مصرف‌کنندگان تأکید داشته و در واقع نوع جدیدی از حاکمیت و حکمرانی را ایجاد می‌کنند، بنابراین تنها راه منطقی برای اثر گذاری بنیادین از سویی پلتفرم‌ها، حمایت حاکمیت و تعامل سازنده بین پلتفرم‌هاست.

حالا پلتفرمی را تصور کنید که با وجود ارائه خلاقانه‌ترین سازو کارها، محتوایی برای ارائه ندارد!

مانند کسی است که می‌خواهد از طریق تلویزیون در جامعه تأثیر بگذارد و سراغ ایجاد کارخانه تلویزیون‌سازی می‌رود!

اگر مدل‌ها و سازو کارهای آموزشی که از سوی پلتفرم‌ها ارائه می‌شود را به مثابه شریان‌های حیاتی اکوسیستم آموزش قلمداد کنیم، خون جاری در این شریان قطعاً محتواس‌ت. هر چقدر محتوای آموزشی از غنای بیشتری برخوردار باشد اجزای دیگر این سیستم با کیفیت بالاتری عمل کرده و نظام یادگیری و بهره‌وری بیشتری خواهد داشت.

■ **ضرورت مشارکت و هم‌افزایی در تولید محتوا**
آنچه که تا امروز فقط توسط یک سازمان و دفتر تدوین کتاب‌های درسی انجام می‌شود، این کار باید به کمک و امداد توسط طیف وسیعی از فعالان و دانشوران حوزه تعلیم و تربیت انجام شود. محتوا و منابع آموزشی با رویکرد واگرا و در زمینه‌های مختلف توسط متخصصان تولید شود. ضمن اینکه سازو کار توزیع شده‌ای برای ارزیابی کیفی این محتوا ایجاد شود؛ سازو کاری که نگرانی

# سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱



دانش‌ورن تشریحی، بوم

بعد از رشد روزافزون و دسترسی سریع و نامحدود به ابزارهای متصل به فضای آنلاین دیجیتال، همیشه والدین این نگرانی بزرگ را داشتند که آیا فرزندانشان از این فضای بی‌حصار استفاده صحیحی خواهند کرد یا نه؟ بارگذاری ویدئوها و تصاویر متفاوت از سوی کاربران حقیقی که اکثرآ قابل شناسایی نیستند حقیقتاً بر این نگرانی افزوده بود. اینکه فرزند دبستانی یک خانواده زمان خود را به تماشای چه فیلمی اختصاص می‌دهد نیز به این نگرانی‌ها دامن می‌زد. در دوران افول و کاهش مخاطبین تلویزیون، ورود پلتفرم‌های نمایشی عمومی به حوزه آموزش و تربیت را می‌توان یکی از مؤثرترین اتفاقات در نظام تعلیم و تربیت دانست

با آنکه هنوز دسترسی نداشتن تقریباً حدود بیش از ۲۰درصد دانش‌آموزان کشور به اینترنت و ابزارهای هوشمند، چالشی بزرگ در برقراری عدالت آموزشی است، اما می‌توان گفت تأمین این زیرساخت‌ها در آینده‌ای نزدیک کاملاً قابل دسترس است. بنابراین بهتر است نظام آموزشی از همین حالا پای خود را کمی فراتر گذاشته و دنباله‌مصادیق دیگری برای برقراری عدالت آموزشی در فضای مجازی باشد.

اصلی متولیان نظام رسمی یعنی تولید محتوای منحرف، آسیب‌زا و بدون کیفیت را نیز بر طرف کند؛ نگرانی که سال‌هاست موجب‌شده سازمان پژوهش خودش این نظارت را انجام دهد، اما قطعاً این راه‌های منطقی نیست و در شرایط کنونی بهتر است فرآیند نظارت و ارزیابی محتوا نیز جمع‌سپاری شده و نظام تربیت رسمی، کیفیت و معیارهای مورد نظر خود را از طریق داده‌کاوی پلتفرم‌ها و نظرات کاربران، احصا کند.

با توجه به موارد فوق باید گفت که جدال بین این دو رویکرد (محتواسازی یا پلتفرم‌سازی) نتیجه‌ای جز از دست‌دادن فرصت‌ها نداشته و متأسفانه منافع ملی کشور بزرگ‌ترین قربانی این نبرد است، بنابراین نکته‌ای که حوضاً در نظام آموزشی مبنی بر فضای مجازی کاملاً مشهود است لزوم پرهیز از نبرد این دو دیدگاه و فرصت‌سوزی‌های جبران‌ناپذیر است.

بنابراین در حال حاضر تنها راه برون‌رفت از وضعیت فعلی و برقراری عدالت آموزشی، مشارکت سازنده تولیدکنندگان محتوا با پلتفرم‌های ارائه‌محتواس‌ت.

هر چقدر که محتوای تولیدشده فاکخر و جامع‌تر و از آن طرف گستره پلتفرم ارائه‌دهنده محتوا، وسیع‌تر باشد، مسیر دستیابی به عدالت آموزشی نیز هموارتر خواهد شد.

یکی از نمونه‌های اخیر در این زمینه مشارکت مؤسسه علمی رمزندگان با شرکت صبا ایده از طریق ارائه محتوای «دانوین» در پلتفرم «مدرسه‌فیلیمو»، در راستای برقراری عدالت آموزشی است.

نکته حائز اهمیت این همکاری آنجاست که دانوین با وجود ارائه پلتفرم نمایش محتوا مبنی بر واقعیت‌افزوده روی مجموعه کتاب‌های هوشمند خود، از ظرفیت پلتفرم مدرسه‌فیلیمو در راستای سهولت دسترسی هر چه بیشتر دانش‌آموزان سراسر کشور به این محتوای فاخر آموزشی نیز غافل نشده و این همان عامل سازنده‌ای است که پیش‌تر به آن اشاره کردیم.

■ **عدالت آموزشی در گر و سهولت دسترسی به پلتفرم‌ها**

قطعا دسترسی نامحدود همه اعضای خانواده فارغ از

**نگاه**



در مسیر تحول آموزشی گام برداشته‌ایم؟

## فقر محتوا، بزرگ‌ترین چالش نظام تعلیم و تربیت

■ **مرتضی فاطمی‌نژاد\***

نظام آموزش و پرورش به حق از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین نظام‌های اجتماعی است و امروزه سنگ‌زیربنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه به شمار می‌رود. از طرفی توسعه روزافزون فناوری اطلاعات و استفاده از این فناوری‌ها در فرآیند یاددهی و یادگیری موجب‌شده تا عصر جدیدی در زندگی جوامع بشری آغاز شود که جامعه‌اطلاعاتی نامیده می‌شود. بنابراین تغییر و نوآوری در نظام تعلیم و تربیت با توجه به رسالت‌ها و نقش راهبردی آن در جهان کنونی و جامعه ایران، امری حیاتی و ضروری به نظر می‌رسد که نیازمند شناختی عمیق از تاریخچه تحولات گذشته، حال و در نهایت برنامه‌ریزی درست و اصولی برای آینده است.

رهبر معظم انقلاب در ارتباط تصویری با مسئولان آموزش و پرورش، درخصوص اهمیت مقوله آموزش، عدالت آموزشی و آموزش‌های فناورانه فرمودند: «در نظام اسلامی برونداد و حاصل ۱۲ سال تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان باید تربیت انسان‌های مؤمن، خردمند، متفکر و اندیشمند، دانشمند، با نظم، باانصاف، دارای اخلاق اسلامی و در یک کلمه انسان‌های

مجاهد و اهل عمل باشد که سرای تحقق این منطقی و هدف انسان‌سازی، آموزش و پرورش به عنوان لشکر عظیم فرهنگی نیازمند زیر بنای مستحکم و تحول بنیادی است. نگاه به آموزش و پرورش باید نگاه به یک دستگاه زیربنایی باشد نه مصرفی و هزینه‌کردن در آموزش و پرورش همچون سرمایه‌گذاری در مسائلی زیربنایی در نظر گرفته شود». در مورد عدالت آموزشی و

بهرمندی دانش‌آموزان از سهم مناسب خود در همه نقاط کشور به ویژه مناطق دورودست و شناسایی و پرورش استعداد‌های درخشان در مناطق محروم هم که بارها صحبت شده است.»

با این مقدمه و برای درک بهتر چالش‌های پیش روی نظام تعلیم و تربیت، لازم است به کمی عقب‌تر برگردیم. آنچه امروز با عنوان «مدرسه» در سطح کشور می‌بینیم در حقیقت سوغاتی است که حدود ۹۰دهه پیش توسط فرانسوی‌ها و

اثریشی‌ها وارد ایران شده و وارداتی که مثال بسیاری از سوغات فرنگ آن دوره، بدون توجه به فرهنگ، اعتقادات و پیشینه کشور به سرعت جایگزین

مکتب‌خانه‌ها، حجره‌ها و حلقه‌های درس و بحث شد، اما جالب اینجاست که این سوغات

قدیمی فرنگ تا همین امروز، زیربنای مهم‌ترین

و مؤثرترین نظام حاکمیتی کشور شده است.

جالب‌تر اینکه همان کشورها از سال‌ها پیش

متوجه تأثیر فوق‌العاده تعلیم و تربیت بر تولید

همه‌جانبه جامعه‌شان شده و در ادامه با تغییرات

گسترده و عمیق در رویکردهای فرهنگسازگی،

تصمیم‌سازی و بودجه‌ریزی، زمینه‌ساز تحولات

بنیادین متعددی در سیستم آموزش و پرورش

کشورشان شدند، اما در ایران، با حفظ همان

دیدگاه کهنه و وارداتی فقط تغییرات ظاهری و

سطحی رخ داده و عزم جدی برای به‌روز کردن و

کارآمدسازی آموزش وجود نداشته است!

از دیدگاه کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت،

کشور یکی از مهم‌ترین موانع ایده‌پردازی و

اجرای تحولات رویکردی و عملیاتی آموزش و

پرورش است. کشور در طی این چند دهه، باعث

شده تقریباً همه زمان دانش‌آموزان در مدرسه،

صرف حافظه‌محوری و یادگیری مطالب حجیم

و تئوریک شود. دانش‌آموزی که با محدودشدن

بحث آموزش و تعلیم در مقوله‌های به نام کشور

تقریباً از مابقی ابعاد سازنده آموزشی و تربیتی دور

مانده و مجالی برای او در یادگیری مهارت‌های

متنوع زندگی و حرفه‌ای وجود نداشته است.

عجیب‌تجیب‌تسه که بسیاری از استعدادهای

گوناگون بچه‌ها، فدای کسب مهارت‌های کم

ارزش کنکوری شده است، اینجاست که مؤسسات

سودجوی به اصطلاح آموزشی با بالابردن سطح

استرس و ایجاد نیازهای کاذب، بازار چندبهرز

میلiardی برای خودشان دست و پا کرده و نگران

این نیستند که نتیجه سودجویی آنها، تولید

هزاران نفر نیروی انسانی مدرک‌گرای ناکارآمد

است که توانایی حل مشکلات واقعی کشور را

ندارند، اما اوج فاجعه زمانی است که متأسفانه

فضای کشور به کل گستره نظام آموزشی و حتی

مقاطع پایین‌تر نیز سایه می‌فکند؛ یک بررسی

آماری ساده نشان می‌دهد هر دانش‌آموز طی

۱۲ سال تحصیل، حدود ۱۱ هزار و ۴۴۰ ساعت

را در مدرسه سپری می‌کند و به طور متوسط

### آموزش آنلاین و مصائب والدین و دانش‌آموزان

## افت تحصیلی با وجود میلیون‌ها تومان هزینه تحصیلی!



یادگیری هم ندارد. تنها به همان آزمون‌های یکی در میان آنلاین که هر کدام از بچه‌ها می‌توانند از کتاب‌کی کنند، اکتفا می‌کند. حالا تصور کنید یک مادر و یک همسر کارمند که خودشان تا پیش از این تهیه بسته اینترنت خیلی هم برای‌شان موضوعیت نداشت، یکسال است که باید هزینه اینترنت بدهند، برای فرزندی که تا پیش از این نیز به موبایل نداشت و حتی آموزش‌های فرهنگی استفاده از موبایل را ندیده بود، یکدفعه مجبور شدند موبایل چند میلیونی بخرند. بعد هم که برنامه ضعیف «شاد» نوانست نیازهای گروه را مرتفع کند، مجبور شدند لب‌تاپ بخرند و روی آن اسکای روم نصب کنند یعنی تا سال پیش حتی تصور نمی‌کردیم سیستم آموزش کشور به چنین مصیبتی مبتلا شود که هیچ‌کس مسئولیتی را بر عهده